



آسیب شناسی مقاله‌نویسی و پژوهش (۲۴)

بروز بد اخلاقی‌ها در ارسال مقاله برای نشریات علمی-پژوهشی

زیر پا بگذارند و مقاله خود را برای چند نشریه ارسال کنند. چندی پیش مقاله‌ای به دفتر نشریه رسید با دو نویسنده. نویسنده مسئول آن، دانش‌آموخته دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی بود و نام استادی را هم در کنار خود درج کرده بود. مقاله در جلسه هیئت تحریریه مورد بررسی اجمالی قرار گرفت، سپس برای دو داور فرستاده شد. پس از بررسی، با ذکر علل، مقاله مردود اعلام شد. متأسفانه نویسنده مسئول، پس از اعلام رد مقاله، گفته بود که با توجه به فوریتی که برای چاپ مقاله یادشده وجود داشته، ناگزیر پذیرش انتشار آن را از مجله دیگری گرفته است! البته اینکه مجله دیگری مقاله‌ای ضعیف و آکنده از نواقص و اشکالات ساختاری و محتوایی را منتشر می‌کند، حکایت دیگری است.

۲. نویسنده‌ای مقاله‌ای را با عنوان و محتوای یکسان، احتمالاً با اختلاف زمانی یکی-دو ماه، برای دو نشریه فرستاده بود و آینه میراث نشریه دوم بود. مقاله در مرحله داوری بود که خبر چاپ آن در نشریه دیگر رسید. جالب اینکه به رغم این اتفاق، نویسنده همچنان پی‌گیر چاپ مقاله خود در آینه میراث بود و نمی‌پذیرفت که عنوان و

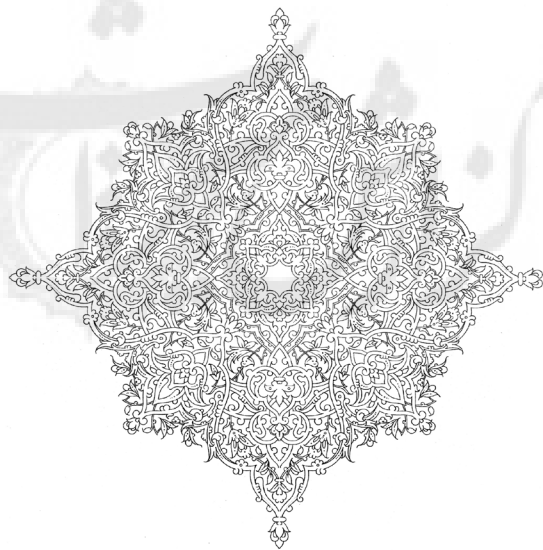
بد اخلاقی در حوزه تألیف مقالات علمی-پژوهشی در سال‌های اخیر رو به افزونی دارد. اسباب و علل پیدایی این مسأله بر کسی پوشیده نیست، اما هر فردی وجدانی آگاه و بصیرتی فطری دارد و می‌داند که اقدام غیر اخلاقی او در سرقت از مطالب دیگران و یا ارسال همزمان مقاله به چند نشریه و مواردی مشابه، امری زشت و مردود است. طی یکی-دو سال گذشته، در خلال بررسی و داوری مقالات رسیده، به چند مورد از این بد اخلاقی‌ها برخوردیم که لازم دانستیم به اطلاع خوانندگان گزارش میراث برسانیم، باشد که تحلیل و تقبیح اینگونه بی‌رسمی‌ها به مرور از ترویج و تکرار آنها پیشگیری کند:

۱. نویسندگان مقالات علمی پژوهشی می‌دانند که ارسال هم‌زمان یک مقاله به دو یا چند نشریه مختلف قانوناً جایز نیست و اخلاقاً هم از آن حیث که موجب هدررفت هزینه و اتلاف زمان متولیان امور نشریه و داوران می‌شود نارواست. اما متأسفانه شوق و ذوق عده‌ای برای کسب ارتقای علمی یا نیاز برخی دانشجویان به چاپ مقاله برای دفاع از رساله و پایان‌نامه موجب می‌شود که برخی از این دوستان به راحتی تعهدات اخلاقی و الزامات قانونی را

هویت این دو مقاله یکسان است و همچنان اصرار به چاپ آن داشت، تا هنگامی که دو مقاله در مؤسسه در حضور خود او تطبیق داده شد! گویا نویسنده به کسی سپرده بود که ساختار و محتوای مقاله را دستکاری کند و برای مجله دیگری بفرستد، و احتمالاً آن شخص تغییرات لازم را اعمال نکرده بود!

۳. از دیگر شگردهای برخی از نویسندگان مقالات علمی-پژوهشی آن است که به هنگام ارسال مقاله به دفتر نشریه، نام استادی نام آشنا را به همراه نام خود بر تارک مقاله می نشانند، اما بعد از دریافت پاسخ مثبت، نام آن استاد را حذف و اعلام می کنند که مقاله تنها به نام ایشان منتشر شود!

۴. برخی دانشجویان، با سوءاستفاده از رابطه‌ای که با استادی برجسته برقرار کرده‌اند، مقاله خود را همراه با نامه آن استاد ارسال می کنند. در مرحله داوری معلوم می شود آن استاد اصلاً مقاله را مطالعه نکرده است، و الا حیثیت علمی خود را برای آن هزینه نمی کرد. وقتی به او اطلاع می دهیم، می گوید نویسنده دانشجوی مستعدی است! به ناچار ضعف‌های مقاله را برایش ارسال می کنیم تا مقاله آن دانشجوی مستعد را ملاحظه کند. کاش استادانی که مایلند اسمشان در مقاله‌ای درج شود، فرصت می کردند فقط یک بار آن مقاله را بخوانند تا ببینند واقعاً ارزش دارد که اسمشان پای هر چیزی که اسمش را مقاله می گذارند درج شود!



۱. مطابق مصوبات وزارت علوم، مقالات دانشجویی، به خصوص مقالات مستخرج از رساله و پایان نامه، لزوماً و ضرورتاً باید به همراه نام استاد (راهنما یا مشاور) منتشر شوند و نشریات علمی-پژوهشی ملزم به رعایت این مقررات هستند؛ از این روی این راه بر نویسندگان اینگونه مقالات بسته است. اما گذشته از مقالات مستخرج از رساله و پایان نامه، که استادان راهنما/ مشاور

علی‌الاصول باید در تدوین آنها نقش چشمگیری داشته باشند، هنوز متوجه نشده‌ایم که در حوزه علوم انسانی، مقاله مشترک دو، سه تا شش اسمی به چه معناست! طرفه آنکه گاهی، به گفته نویسنده مسئول، دیگری هیچ زحمتی برای مقاله او نکشیده است و روشن نیست که چرا آن مقاله باید در ارتقای علمی آن کس دیگر هم تأثیر داشته باشد!

آسیب شناسی مقاله‌نویسی و پژوهش (۲۴)

گشایش بخشی تازه در گزارش میراث

آینه میراث) می‌رسند، در نگاه اول کنار گذاشته می‌شوند؛ برخی به سبب نامرتب بودن با حوزه کار مجله و برخی دیگر به جهت آشکار بودن نشانه‌های شتاب‌زدگی و رفع تکلیف در نگارش آنها. از میان نوشته‌هایی که از غربال اولیه می‌گذرند و به دست داور می‌رسند، بعضی برای انتشار پذیرفته می‌شوند و بعضی نه. مقاله‌های قابل انتشار نیز معمولاً بی‌نیاز از ویرایش نیستند؛ گاهی ویرایش فنی و زبانی کفایت می‌کند و گاهی ویرایش ساختاری (حذف بسیاری از قسمت‌های زائد و پس‌و‌پیش کردن پاره‌هایی از متن) هم لازم است. تنها معدودی از مطالب هر شماره صرفاً با مختصری ویرایش فنی آماده انتشار می‌شوند.

مقاله‌ای با عنوان «رباعیات رضی نیشابوری در دیوان امامی هروی»، به قلم سید علی میرافضلی، که در این شماره گزارش میراث می‌خوانید، مانند سایر نوشته‌های او، نمونه‌ای از مقالات اندک‌شماری است که با ویرایش مختصری آماده انتشارند. نویسنده مقاله سال‌هاست که با گزارش میراث همکاری می‌کند و نوشته‌های او - که اغلب حاصل سال‌ها پژوهش درباره رباعی و رباعی‌سرایانند - علاوه بر آنکه داوران و ویراستاران را به زحمت نمی‌اندازد،

پژوهش‌هایی که در زمینه علوم انسانی (و به‌طور اخص در زمینه زبان و ادبیات فارسی، متن‌شناسی، نسخه‌شناسی، و ایرانشناسی - که زمینه‌های تخصصی نشریات میراث مکتوب هستند) صورت می‌گیرند دچار آفت‌هایی هستند که تحلیل و آسیب‌شناسی آنها می‌تواند در رفعتشان سودمند باشد. اگرچه راه حل اصولی این معضل، یعنی ناکارآمد بودن و تکراری بودن و بی‌پایه بودن پژوهش‌ها، آن است که از انتشار آثار بی‌بها جلوگیری شود - و این مسئولیت بر دوش اولیای نشر و گردانندگان مجلات است -، اما هستند کسانی که خود از بی‌مایگی نوشته‌هاشان آگاهی ندارند و چه بسا اگر آگاه بودند، یا دیگر دست به قلم نمی‌بردند یا می‌کوشیدند تا چیزی بنویسند که ارزش نوشتن داشته باشد.

از این روی گزارش میراث بر ذمه خود دید که بخشی را به این مقوله اختصاص دهد تا در آن: نخست. پژوهش‌های بی‌پایه و اساس، غیراصولی، و منتحل را معرفی و بررسی کند؛ دوم. پژوهش‌های ارزنده، روشمند، و سودمند را معرفی و بررسی کند؛ سوم. آفت‌های پژوهش را واکاود؛ و چهارم. شیوه‌های پژوهش و اصول ارائه صحیح آن را بشناساند. اینک آنچه اول بار ما را به فکر افزودن چنین بخشی انداخت: بسیاری از مطالبی که برای هر شماره گزارش میراث (و البته

معمولاً مقبول خوانندگان هم می‌افتد. بد نیست پاره‌ای از محاسن این نوشته را مرور کنیم.

پیش از هر چیز، به عنوان روشن و دقیق مقاله باید اشاره کرد که با دیدنش، خواننده به سرعت می‌فهمد قرار است چه چیزی بخواند. مقدمات مقاله هم مختصر و مفید است؛ نویسنده به خوبی تشخیص داده است که خوانندگانی که این نوشته برایشان جذاب باشد، قاعدتاً، با مقوله «رباعیات سرگردان» بیگانه نیستند. این است که نوشته را با شرح تفاوت «رباعیات سرگردان» و «رباعیات مختلط» آغاز کرده است، برخلاف برخی نویسندگان دیگر که ممکن است چنین مطلبی را با معرفی «رباعی» و تاریخ تطوّر این قالب در شعر فارسی آغاز کنند و فصل مشبعی هم در باب رباعیات سرگردان بپردازند. اینها نمونه‌ای از همان زوائدی است که داوران یا ویراستاران ناگزیرند آنها را حذف (یا بسیار کوتاه) کنند.

در ادامه مقدمه نیز اثری از فضل‌فروشی و حواشی نالازم و تکرار مکررات نیست. نویسنده عواملی گوناگون برای اختلاط رباعی‌های شاعران مختلف برشمرده و هرکدام را به اختصار، و صرفاً با ذکر یک مثال، توضیح داده و منابعی هم، برای کسب اطلاعات بیشتر، به خوانندگان علاقه‌مند معرفی کرده است. سپس موضوع بحث خود (اختلاط رباعی‌های این دو شاعر) را به زبانی ساده و روشن و، البته با رعایت ایجاز، بیان کرده و سوابق تصحیح و چاپ سروده‌های هر دو شاعر و روش کارش در این مقاله را هم به اختصار آورده است.

نویسنده حتی اصل مطلب، یعنی رباعی‌های مختلط رضی نیشابوری و امامی هروی، را هم به کوتاه‌ترین صورت ممکن نوشته و به نقل نخستین مصراع از هر رباعی (با ارجاع دقیق به دیوان‌های دو شاعر) بسنده کرده است؛ یعنی به جای آنکه متن کامل ۳۴ رباعی (یعنی ۱۳۶ مصراع) را بنویسد، کار را با نقل تنها ۳۴ مصراع تمام کرده است. پایان‌بندی مقاله، با چند نکته جزئی و حاشیه‌ای و سپس نتیجه‌گیری، هم بسیار مناسب است.

این مقاله نمونه‌ای از مقالات مطلوب گزارش میراث است که، با وجود اختصار، «ساختار» مناسبی دارد؛

بی‌آنکه در آن خبری از عناوینی همچون «پیشگفتار» و «مقدمه» و «پیشینه» و «روش تحقیق» و «نتیجه‌گیری» باشد، برخلاف بسیاری از مطالب مفصلی که این همه را دارند و هیچ‌یک از محاسن این نوشته را ندارند.

پس از دیدن مقاله‌ای که وصفش را خواندید، نوشته‌ای به دستمان رسید از فاضلی به نام آرش نیک‌پور! انتحالی و تقلبی را بررسی‌ده بود و داوری خود را محکم و مستدل بیان کرده، اما گویا در گزارش میراث جایی برای درج آن مقاله نبود. ما، به زعم خود، مقاله خوب را از مقاله بد می‌دانستیم، اما نه این آگاهی را با کسی در میان می‌گذاشتیم و نه آن را به محک درک و دانش دیگران می‌زدیم. پس بر آن شدیم که دایره دغدغه‌های خود را گسترش دهیم و در کنار درج پژوهش‌های سودمند و ارزشمند (وظیفه‌ای که امیدواریم در گزاردن آن موفق باشیم)، به تحلیل اینگونه پژوهش‌ها و شیوه‌های تألیف آنها، همچنین به آسیب‌شناسی پژوهش‌های ناسودمند و بی‌بها بپردازیم. نام بخش تازه را «پژوهش‌هایی در باب تحقیق» نهادیم و امیدواریم استادان و پژوهشگرانی که دغدغه‌هایی از این دست دارند و آفت‌ها و شیوه‌های پژوهش را می‌شناسند، ما را در پربار کردن این بخش یاری کنند.

گزارش میراث